

• اشکال کار کجاست؟

مشکل اینجاست که در این بین متأسفانه کشورهای منطقه در حفظ و حمایت از حکومت قبلی افغانستان تلاش جدی نداشت. اکنون که آن دولت کنار رفته است باید شرایط را به سمتی پیش برد که جهت گیری طالبان به سمت تقابل با ایران نباشد تا بتوان فضای کنونی را کنترل و مدیریت کرد.

• **ولی برخی کشورها از چین گرفته تا روسیه و پاکستان عملا به پذیرش رسمی طالبان کمک می‌کنند. در چنین شرایطی تهران توان مدیریت وضعیت را دارد؟**

واقعیت این است که فعلا حکومت طالبان یک واقعیت «دوفاکتو» در عرصه دیپلماسی جهان است؛ یعنی اگر چه برخی کشورهای محدود مانند روسیه، پاکستان یا چین یک پذیرش دیپلماتیک حداقلی برای حکومت طالبان قائل شده‌اند، اما فعلا رسمیت‌دادن به حکومت طالبان توسط هیچ کشوری اجرا نشده است. البته به دلیل عملکرد طالبان در جامعه افغانستان من بعید می‌دانم که حداقل در کوتاه‌مدت و حتی میان‌مدت شاهد به‌رسمیت‌شناختن این حکومت توسط کشورهای همسایه، جامعه جهانی و سازمان ملل باشیم.

• **به‌کم‌کاری در حمایت از دولت قبلی افغانستان اشاره کردید. پیرو این نکته تا چه اندازه خواش غلط تهران از تحولات افغانستان سبب پدید آمدن این شرایط شده است؟**

برای پاسخ به این سؤال جا دارد کالبدشکافی دقیقی درباره برخی تحلیل‌های جریان‌های سیاسی، رسانه‌ها و احزاب در داخل ایران نسبت به حکومت طالبان داشته باشیم. متأسفانه این جریان‌ها و افراد با خوانش تحولات خاورمیانه به‌خصوص سوریه و عراق ارزیابی غلطی از حکومت طالبان و تحولات افغانستان داشتند. درصورتی‌که افغانستان و طالبان به شدت متفاوت از سوریه، عراق و کل خاورمیانه است، همان‌گونه که طالبان هم اساسا تفاوت‌های ماهوی و جدی با جریان‌های رادیکال در خاورمیانه دارد. متأسفانه همین ارزیابی خاورمیانه‌ای در ایران از افغانستان سبب شد به جای تحلیلی درست یک نگاه ایدئال به طالبان داشته باشیم؛ طالبانی که امروز خود را به جامعه افغانستان تحمیل کرده است؛ بنابراین جمهوری اسلامی ایران، حداقل با هدف حفظ روابط و مناسبات با افغانستان هم که شده باید رفتارهای حکومت طالبان را کنترل کند تا حداقل از افزایش میزان مهاجران به ایران جلوگیری کرده و شرایط را قدری تعدیل کند که فشار کمتری به جامعه افغانستان وارد شود.

از این منظر نگاه ایران به طالبان باید یک نگاه سلبی باشد، نه ایجابی. یعنی ایران باید خود را از برخی فتنه‌ها، تله‌ها و دام‌ها دور کند.

• **با این نگاه طالبان تا چه اندازه قابل کنترل است؟**

باید این واقعیت را در نظر گرفت که به‌دلیل گسل ایدئولوژیک بین حکومت طالبان و جمهوری اسلامی ایران احتمالا تنش اجتناب‌ناپذیر است. درعین‌حال طالبان اساسا مهارت، دانش و توان حکومت‌داری در عصر جدید را ندارند؛ بنابراین چون این توان در طالبان دیده نمی‌شود قطعاً به تنش‌های منطقه‌ای و جهانی ختم خواهد شد. ضمن اینکه ایران کشوری است که مورد طمع قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. در نتیجه این بازیگران از هر فرصتی برای ایجاد آشوب، فتنه و ناامنی در ایران نهایت استفاده را خواهند برد. با این اوصاف احتمال تحریک طالبان علیه ایران هم وجود دارد.

• **راه‌حل چیست؟**

به اعتقاد من مقامات جمهوری اسلامی ایران به‌خصوص در حوزه افغانستان باید از هم‌اکنون هزینه‌های سیاسی و دیپلماتیک این مسئله را پرداخت کنند تا در آینده چالش‌های جدی شکل نگیرد، چون اگر درخصوص عراق هزینه‌هایی را از قبل می‌دادیم، شاهد آن جنگ تحمیلی نبودیم؛ بنابراین برای پیشگیری از تکرار اتفاقات در عراق برای افغانستان باید از هم‌اکنون مقامات طالبان را نسبت به مسائل مرزی، حدود و ثغور، آبراه‌های مشترک، مهاجران، تجارت، مسائل امنیتی و خط قرمزهای ایران آگاه کرد.

به‌دلیل گسل ایدئولوژیک بین حکومت طالبان و جمهوری اسلامی ایران احتمالا تنش اجتناب‌ناپذیر است. درعین‌حال طالبان اساسا مهارت، دانش و توان حکومت‌داری در عصر جدید را ندارند؛ بنابراین چون این توان در طالبان دیده نمی‌شود قطعاً به تنش‌های منطقه‌ای و جهانی ختم خواهد شد. ضمن اینکه ایران کشوری است که مورد طمع قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است

برای حمله به اماکن دیپلماتیک ایران چگونه ارزیابی می‌کنید؟

تحریک مردم می‌تواند کار هر کسبی و هر جریانی باشد. وقتی ما با این وضعیت در جامعه افغانستان مواجه باشیم بی‌شک سعی می‌شود با یک برنامه‌ریزی دقیق و با ساختن تصاویر، عکس‌ها و ویدئوهای دست‌کاری‌شده این‌گونه عنوان شود که مهاجران افغان در ایران مورد آزار قرار می‌گیرند تا با این اقدامات عصبانیت مردم افغانستان ضد حکومت طالبان با حمله به اماکن دیپلماتیک ما علیه جمهوری اسلامی تخلیه شود.

• **در این بین شاهد دستگیری افرادی که مبادرت به گل‌باران کردن اماکن دیپلماتیک ایران در افغانستان کرده‌اند، بودیم؛ اقدامی که توسط طالبان انجام شده است. آیا این امر نشان نمی‌دهد طالبان در پشت پرده تنش‌های اخیر بوده است؟**

واقعیت امر این است که زمانی که دوره اول حکومت طالبان با حمایت پاکستان و خصوصاً I.S.I در افغانستان شکل گرفت، هدف اصلی آن ایجاد مزاحمت و ناامنی در کنار مرزهای ایران بود، بدون آنکه مزاحمتی برای منافع آمریکا ایجاد کند. از این جهت بود که اولین قراردادی که در حکومت اول طالبان امضا شد، امضای قرارداد انتقال خط لوله گاز توسط یک شرکت آمریکایی از ترکمنستان به پاکستان بود. در همین رابطه آمریکا حدود چند میلیون دلار پیش‌قسط هم برای اجراکردن این قرارداد به طالبان دادند؛ بنابراین جهت‌گیری اولیه حکومت طالبان یک جهت‌گیری ضدآمریکایی نبود، بلکه آنچه در ایدئولوژی این جریان نهفته است، تقابل جدی با حکومت‌هایی مانند جمهوری اسلامی ایران است؛ بنابراین مدیریت این موضوع به‌ویژه از طرف تهران

بسیار مهم است. واقعا باید مقامات جمهوری اسلامی ایران در این راستا دقت عمل و هوشیاری لازم را داشته باشند و به دور از احساسات و برخی تحلیل‌های سطحی، شرایط را در افغانستان به شکل جدی ارزیابی کنند.

• **امکان سوءاستفاده‌های بعدی را ذیل تقابل دو ملت تا چه اندازه جدی می‌دانید؟**

به واقع ملت ایران و افغانستان از اساس دارای یک فرهنگ، یک باور و یک ریشه تاریخی هستند؛ بنابراین ایران هیچ‌گونه خصومتی با مهاجران افغانستانی نداشته و ندارد، همان‌گونه که هیچ خصومتی با هیچ‌کدام از اقوام و اتباع دیگر کشورها ندارد. ما باید روی این نقاط مشترک کار کنیم تا فضای چنین سوءاستفاده‌هایی در آینده سلب شود.

• **بااین‌حال اخیراً علاوه بر عدم تمایل طالبان برای بازکردن میل‌های مرزی مشترک با ایران، تصاویری هم درخصوص برنامه این حکومت پیرامون تمامیت ارضی ایران هم دیده شده است. با این نکات شما آینده پرتنش با طالبان را متصورید؟**

اگر چه اخیراً برخی ویدئوها و مواضعی از جانب مقامات طالبان درخصوص جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است اما نباید آن را به کل حکومت و بدنه طالبان تسری داد. به هر حال در هر ساختاری برخی افراد دیدگاه‌های تندتری دارند که بدون هماهنگی با دیگر مقامات مطرح می‌کنند. به ویژه که طالبان یک جریان متشکل، منسجم و یکدست نیست، بلکه در آن برخی گروه‌های تندروتر وجود دارند که نگاه مثبتی به ایران ندارند. اما نکته و اشکال کار جای دیگری است.



محسن روحی صفت، سرپرست سابق سرکنسولگری ایران در افغانستان در گفت‌وگو با «شرق» درباره تحولات افغانستان؛

ناتوانی طالبان در حکومت‌داری، تنش با همسایگان را اجتناب‌ناپذیر می‌کند

نگاه تهران به تحولات افغانستان باید سلبی باشد، نه ایجابی



عبدالرحمن فتح الهی: هفته گذشته با حوادث تلخی در مناسبات ایران و افغانستان همراه بود. حوادثی که به نظر می‌رسد با هدف ایجاد تنش بین تهران و کابل، ذیل تحریک مردم افغانستان صورت گرفته است. «شرق» برای بررسی دقیق‌تر تحولات هفته گذشته و نیز ارزیابی آینده روابط تهران – کابل، گفت‌وگویی را با محسن روحی صفت، رایزن سابق اقتصادی ایران در مالزی، سرپرست سابق سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در مزارشریف، پیشاور، قندهار، رئیس سابق ستاد افغانستان و کارشناس مسائل شبه‌قاره و جنوب شرق آسیا ترتیب داده است که در ادامه می‌خوانید:

سیاسی، اجتماعی و دیپلماتیک پیدا کند. حال با توجه به اینکه حکومت طالبان بدون مشارکت‌دادن سایر اقوام و مذاهب عملاً حکومتی غیردموکراتیک را در افغانستان شکل داده است و در این مدت هم این حکومت اقدامات و تصمیماتی را با محوریت محدودکردن فضای سیاسی، اجتماعی، رسانه‌ای و... در افغانستان شکل داده است که سبب شده جامعه این کشور خود به خود به جامعه‌ای نگران و همچنین قدری عصبی بدل شود. در این شرایط طبیعی است که جامعه نسبت به کوچک‌ترین اتفاقی که بخواد وجهه ملی آنها را خدشه‌دار کند، واکنش نشان خواهد داد.

• **نقش طالبان را علاوه بر تشدید نگرانی و عصبیت جامعه افغانستان، در تحریک مردم**

• **به باور شما دلیل یا دلایل حمله هفته گذشته به اماکن دیپلماتیک ایران در افغانستان چیست؟**

دلیل محوری به تبعات ناشی از حکومت طالبان در جامعه افغانستان بازمی‌گردد.

• **چطور؟**

همان‌گونه که بارها عنوان شده است، در جامعه سیاسی – اجتماعی افغانستان هیچ قومی در اکثریت قرار ندارد؛ بنابراین حکومت زمانی می‌تواند به یک مشروعیت در این کشور دست پیدا کند که فراگیر و متشکل از همه احزاب، جریان‌ها، اقوام و مذاهب باشد. در این صورت است که حکومت و دولت در افغانستان می‌تواند مشروعیت

ریموند ویل

RAYMOND WEIL
GENEVE



SARMAN Co.

No. 1832, Dr. Shariati St., Next to Pol-E-Roomi, Tehran - Iran